

# سہ ماہی اور سہ ماہی تالیفات

۱۹۹۱ء میں سہ ماہی تالیفات

## سہ ماہی تالیفات

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

۱۹۹۱ء

## تفکرات مارکوس اریوس

پندنامہ مارکوس کیصر روم

۱۹۹۱ء

نشر نگاه معاصر

ترجمہ عبد الرحیم طالبوف

بہکوش فرامرز معتمد دزفولی

## فهرست مطالب

۹	پیشگفتار.....
۲۱	افادهٔ مخصوصه.....
۲۷	فصل اول      مُتقبل شدم خود را اصلاح نمایم.....
۳۹	فصل دوم      تومی دانی که همه اینها موقتی است.....
۴۷	فصل سیم      مرگ هر ساعت مهمانی ناگهانی است.....
۵۵	فصل چهارم      چرا از خود به خود سفر نمی‌کنی؟.....
۶۵	فصل پنجم      زندگی آینهٔ تفکر آدمی است.....
۷۷	فصل ششم      ایام حیات کوتاه است.....
۸۷	فصل هفتم      به کواکب آسمان نظر کن.....
۹۹	فصل هشتم      در فکر همین دقیقهٔ حالیه خود بشو.....
۱۱۳	فصل نهم      به اندک اکتفا کن، به اصلاح خود بکوش.....
۱۲۳	فصل دهم      آن وقت تو مولود دیگری شوی.....
۱۳۳	فصل یازدهم      آنچه ما را دیوانه می‌کند!.....
۱۴۳	فصل دوازدهم      با مرگ همهٔ کفایت و کاردانی آدمی تمام می‌شود.....

## پیشگفتار

تأملات مارکوس اورلیوس برای نخستین بار نزدیک به صد و سی سال پیش با نام پندنامه مارکوس قیصر روم و «تفکرات» توسط طالبوف (۱۲۹۱-۱۲۱۳ش) یکی از مهم‌ترین روشنفکران دوره مشروطه به فارسی ترجمه شد. اکنون این متن پیش روی ماست، صفحه نخست رساله نشان از آن دارد که با متن و مترجمی جدی سرو کار داریم: «در این‌که برای خودی خود، لازم‌تر از همه چیست؟» و چند خط پایین‌تر: «حالا وقت نیست تشخیص صورت انسانیت صاحبان نفس قوی را بکنیم، وقت است فی الواقع چنان باشیم». از میان همین کلمات و چند جمله بالا، عزم بلند طالبوف و قدرت اگزیستانسیالی روح کلام او از خلال فاصله دورانی و قرنی پیش تا به امروز به دید می‌آید و آن را حس می‌کنیم. هنگامه‌ای که او به انتخاب و ترجمه این اثر همت نهاده بود اخلاق و دین، بیشتر از هر چیز به همراه جامعه‌ای در حال زوال، سیر سقوط و قهقرایی خود را در ظاهرگرایی و قشریت می‌پیمودند. زمانه‌ای که در آن، عصر صدرالاعظم‌های دولت خواه و ترقی خواهی چون میرزا تقی خان امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار به پایان آمده بود و دوران ملیجک‌ها و امین‌السلطان‌ها فرا رسیده و ناصرالدین شاه مستأصل، که اکنون مستبدی پیراست، در چنگال گربه‌رقصانی‌های آنها به روزمرگی ایام می‌گذرانید.

اما ترجمه اثر به پیشگاه ولیعهد سالخورده و کودک‌خُلقی است - مظفرالدین شاه - که همه ترقی خواهان بعد از بن‌بست عهد ناصری، چشم امیدشان به اوست. شاید به همین دلیل طالبوف برای برون‌رفت از این وضعیت در مقدمه به استناد آن‌که: «قوت سخن تابع دو چیز است؛ یکی آن‌که شدت تأثیر که سخن را از روی شور و هیجان طبیعی بگویند» و دیگر «برتری و